

بررسی رابطه بین دیررسی سن ازدواج و امنیت اجتماعی دختران شاغل در جامعه: مورد مطالعه شهر بوشهر

غلامرضا جعفری نیا¹
راضیه خضری نژاد²

چکیده

یکی از بدیهی ترین حقوق هر انسانی، ازدواج است. خانواده و جامعه وظیفه دارند شرایط را طوری فراهم کنند که هر فرد در ابتدای سنین جوانی بتواند ازدواجی دائمی، پایدار و موفق را تجربه کند و در سایه آن، به آرامش واقعی برسد و احساس امنیت اجتماعی در جامعه داشته باشد. هدف کلی این مقاله بررسی نگرش دختران 39-29 ساله شهر بوشهر به دیررسی سن ازدواج و امنیت اجتماعی در شهر بوشهر در سال 1392 می باشد.

از آنجائیکه در این تحقیق به سنجش متغیرهایی که تقریباً بار ارزشی دارد و سوالات پرسشنامه می توانست باعث حساسیت پاسخگویان و مقاومت آنها شود، لذا محقق از روش انفاقی در تعیین نمونه استفاده کرده است. در این پژوهش نیز جهت گردآوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه پس از احراز اعتبار و پایایی آن در مراحل مقدماتی تحقیق، برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز در مرحله نهایی مورد استفاده قرار گرفت.

در این تحقیق از 7 فرضیه استفاده شده است که در بین این فرضیات 4 فرضیه تایید شده و 3 فرضیه نیز دارای ارتباط معناداری بامتغیر وابسته نبوده اند.

اصطلاحات کلیدی: دیررسی سن، ازدواج، جامعه شناسی، دختران، بوشهر

طرح مسئله

بالا رفتن سن ازدواج یکی از معضلات مهم جوامع بشری است زیرا با افزایش سن ازدواج، جوانان از شیوه بهنجار رضای غریزه جنسی و آثار و فواید آن محروم می شوند. در جوامع گذشته پسران و دختران با رسیدن به سن بلوغ، یا کمی بعد از آن اقدام به ازدواج می کردند و مجرد ماندن یک نقص اجتماعی محسوب می شد. اما با پیچیده تر شدن جوامع و ایجاد خواسته ها و انگیزه های کاذب، ذائقه اجتماعی تغییر یافت و به تبع این تغییر ذائقه، نیاز طبیعی و

¹ دانشیار گروه جامعه شناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

² دانشجوی ارشد روانشناسی بالینی

غریزی به ازدواج سرکوب و این روند، تا جایی پیش رفته که امروزه در بعضی جوامع غربی، جوانان به کلی از ازدواج سرباز زده اند و آن را مانعی برای آزادی خود تلقی می کنند. تنها زمانی به ازدواج روی می آورند که نشاط جوانی را از دست بدهند و نیازمند یک پرستار یا مراقب هستند. متأسفانه این فرهنگ اشتباه جوامع اسلامی از جمله جامعه اسلامی ما را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است. به گونه ای که افزایش رو به تزاید سن ازدواج در کشور، مشکلات فراوانی به دنبال داشته است. مشکلاتی همچون افسردگی و از بین رفتن نشاط در جوانان، ابتلا به وسواس زیاد در انتخاب همسر، مشکل آفرینی فرزندان بزرگ و ازدواج نکرده در خانه، افزایش اضطراب و نگرانی بخصوص در دختران بلا تکلیفی، از دست رفتن طراوت و زیبایی، ناامیدی و تصمیم به عدم ازدواج به خاطر کاهش میل به ازدواج، بی دقتی در انتخاب همسر، احتمال افزایش انحرافات، و دهها مشکل از این قبیل که جوانان ما را به چالش کشانده است (ایمانی، 1379: 13).

جامعه ایرانی با ورود به دنیای مدرن، تجربه نویی از جهان اجتماعی را گذرانده و حیاتی تقریباً متفاوت با حیات سابق و نظم حاکم بر آن را طی می کند. مروری بر ادبیات نظری و تجربی خارجی متعدد پیرامون افزایش سن ازدواج دختران دلالت بر آن دارد که این افزایش عموماً به خاطر تجربه مدرنیته و شاخصه های آن از طرف جامعه در سطح کلان و دختران در سطح خرد، ذاتی حرکت توسعه ای هر جامعه ای است (حبیب پور، 1380: 25).

خانواده اولین و مهمترین نهاد اجتماعی است. خانواده نهادی است که در طول تاریخ و در هر جامعه شکل، ساخت، کارکرد یا کنش معین داشته است. آنتونی گیدنز می گوید: نهادهای اجتماعی وسیله پیوند زندگی اجتماعی هستند. آنها ترتیبات اساسی زندگی که انسانها در کنش متقابل با یکدیگر پیدا نموده و از طریق آنها در طول نسلها تداوم می یابند را فراهم می کنند (گیدنز، 1373: 411).

خانواده گروهی از افراد است که با ارتباطات خویشاوندی پیوند یافته اند و اعضای بزرگسال آن مسئولیت مراقبت از کودکان را بر عهده دارند. پیوندهای خویشاوندی، ارتباطات میان افراد است که یا از طریق ازدواج و یا از طریق تبار که خویشاوندان خونی (مادران، پدران، فرزندان، پدربزرگ و مادربزرگها) را با یکدیگر مرتبط می سازد به وجود می آید. ازدواج می تواند به عنوان پیوند جنسی از نظر اجتماعی به رسمیت شناخته شده و پسندیده بین دو فرد بزرگسال تعریف شود (گیدنز، 1373: 413).

یکی از بدیهی ترین حقوق هر انسانی، ازدواج است. پدر و مادر و جامعه وظیفه دارند شرایط را طوری فراهم کنند که هر فرد در ابتدای سنین جوانی بتواند ازدواجی دائمی، پایدار و موفق را تجربه کند و در سایه آن، به آرامش واقعی برسد و با تولد فرزندان، نقشی را که طبیعت در جهت بقا به عهده او گذاشته است، به انجام برساند. حقی که سال هاست مورد بی توجهی قرار گرفته و به نیاز دست چندم تبدیل شده است. وجود فاصله ای نزدیک به یک دهه بین سن بلوغ و ازدواج، تبعات فردی و اجتماعی فراوانی را به دنبال دارد. آلن ژیراد می گوید: در بین تمامی مراسم، آداب و حوادث اساسی زندگی انسان، ازدواج از اهمیتی بسزا برخوردار است، هم از نظر فرد، هم از دیدگاه زیستی و هم از منظر اجتماعی. هیچ نهادی نیست که همانند آن جهانی و از نظر غایت ثابت و پایدار باشد. از این رو هیچ نهادی همانند آن تحت تأثیر دگرگونی های اجتماعی قرار نمی گیرد (میشل، 1354: 151).

هدف کلی این مقاله بررسی نگرش دختران 39-29 ساله شهر بوشهر به دیررسی سن ازدواج در شهر بوشهر در سال 1392 می باشد. اهداف جزئی این مقاله بررسی ارتباط بین انتظارات مالی و دیررسی سن ازدواج و بررسی ارتباط بین میزان تحصیلات و دیررسی سن ازدواج و بررسی ارتباط بین استقلال مالی و دیررسی سن ازدواج و بررسی ارتباط بین علاقه به ارتقاء شغلی و دیررسی سن ازدواج و بررسی ارتباط بین کم رنگ شدن ارزشهای مذهبی و معنوی و دیررسی سن ازدواج و بررسی ارتباط بین اعتقاد به آزادی جنسی و دیررسی سن ازدواج

و بررسی ارتباط بین نگرش نسبت به ازدواج (محدود شدن آزادی) و دیررسی سن ازدواج با امنیت اجتماعی دختران در سال 1392 در شهر بوشهر می باشد.

چارچوب نظری تحقیق

نظریه فونکسیونالیسم ساختی

یکی از تئوریهای مهمی که می توان در تحلیل موانع ساختاری ازدواج ، از آن استفاده نمود نظریه نظام اجتماعی پارسونز است. هر چند در چهارچوب فونکسیونالیسم ساختی صریحا به این وجه اشاره نشده است ولی مشکلات ازدواج را می توان با توجه به اختلال یا عدم تعادل بین دو خرده نظام اقتصادی و فرهنگی مورد بررسی قرار داد.

در مدل پارسونز ، چهار خرده نظام فرهنگی ، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نظام یافته است که در ارتباط با یکدیگر هستند و به ترتیب عهده دار کارکرد حفظ و تداوم الگوها، نیل به اهداف، انطباق با شرایط محیطی و ایجاد یگانگی و انسجام اجتماعی هستند (صدیق، 1374: 39).

پارسونز در مورد فرآیند هسته ای شدن خانواده به بیان اهمیت شغل پرداخته بر اساس متغیرهای الگوهای خویش آن را ناشی از ماهیت نظام تقسیم کار در جوامع صنعتی جدید می داند به نظر وی یکی از آثار پیچیدگی نظام این است که از شغل یک رکن اصلی پایگاه اجتماعی می سازد. از طرف دیگر پایگاه شغلی یک فرد عموما حاصل یک فرآیند طولانی سرمایه گذاری و آموزش می باشد. در مسیر تطور جوامع صنعتی لحظه ای فرا می رسد که خانواده عموما دیگر از لحاظ پایگاه شغلی منشأ هیچ کمکی برای فرد نیست (بودن، 1370: 111).

به این ترتیب شغل در سن ازدواج مؤثر است. جوانان غالبا زمانی ازدواج می کنند که یقین داشته باشد طبق آداب و رسوم طبقه اجتماعی خود از عهده تأمین معاش خانواده برمی آیند و چون افراد نمی توانند در سنین معینی در آمد کافی داشته باشند نوع شغل اهمیت پیدا می کند، در طبقات مرفه کشورهای صنعتی ، جوانان به ندرت قبل از 28 یا 30 سالگی قادر هستند به شغلی که دلخواهشان است دسترسی پیدا کنند خصوصا اگر خواستار دستیابی به مشاغل عالی که نیازمند تحصیلات طولانی است، باشند. در صورتی که کارگران ماهر از 21 تا 23 سالگی و کارگران غیرماهر از 18 سالگی شروع به کار می کنند. در نتیجه سن ازدواج برای طبقات مرفه بالاتر و برای طبقات تحتانی پایین تر است، شاید بتوان گفت هر قدر سطح زندگی پایین تر باشد ازدواج زودرس تر خواهد بود (جمشید، 1348: 221).

نظریه بلاو و دانکن

بلاو و دانکن دو صاحب نظر و محقق مشهور آمریکایی در جریان مطالعات تحرک اجتماعی سال 1967 نظریه ای نیز درباره نقش خانواده در تحرک اجتماعی ارائه داده اند. آنها معتقدند که عوامل تحرک اجتماعی نزولی منحصر به ازدواج های زودرس و داشتن فرزند زیاد نیست، بلکه داشتن خانواده بزرگ نیز از عواملی تحرک نزولی اجتماعی محسوب می گردد. به نظر این دو صاحب نظر ، افرادی که دارای تحرک اجتماعی صعودی بوده اند، از آنهایی که یا تحرک اجتماعی نداشته و یا گرفتار تحرک اجتماعی نزولی گردیده اند، فرزندان کمتری داشته اند. به نظر آنان تأخیر در ازدواج عامل اصلی این تفاوت است. از دید بلاو و دانکن بیشتر افرادی که در مسیر تحرک اجتماعی صعودی قرار می گیرند، ازدواج در سنین بالا را ترجیح می دهند و از آنجا که هر چه زن و شوهر مسن تر باشند دوران باروری آنان کوتاهتر خواهد بود. در نتیجه فرزندان کمتری نیز خواهند داشت و همچنین امکان موفقیت شغلی فرزندان در

خانواده های بزرگ موفقیت های شغلی فرزندان کاهش می یابد و اولین و آخرین فرزندان، بالاترین امکان و فرصت را برای کسب موفقیت دارند. این دو صاحب نظر این امر را ناشی از چگونگی توزیع منابع خانواده، به ویژه منابعی که پیشرفت های تحصیلی را تحت تأثیر قرار می دهند می دانند؛ هر چه تعداد فرزندان کمتر باشد سهم آنان در بهره مند شدن از توجه، مراقبت، رسیدگی و کمک های مالی خانواده بیشتر خواهد شد. بلاو و دانکن به این نتیجه کلی می رسند که فرزندان خانواده های بزرگ دارای امکانات موفقیت های تحصیلی کمتری هستند و بنابراین موفقیت های شغلی ناچیز نیز به دست می آورند و در خانواده های از هم پاشیده نیز به دلیل این که منابع مادی و عاطفی کاهش می یابند، فرزندان این خانواده ها موفقیت های تحصیلی و شغلی محدودتری خواهند داشت (هلاکویی، 1365: 263).

بنابراین خانواده های بزرگ و جمعیت بالای خانواده ها در روستا نیز می تواند منجر به عدم دسترسی تمامی اعضای خانواده به تحصیلات مناسب گردد. این امر زمانی شدت می گیرد که نظام اجتماعی دچار عدم هماهنگی شده باشد.

تئوری راهها و اهداف ویر و مرتن

ازدواج هنگامی رخ می دهد که جامعه بر اساس اصل اول جامعه شناسی یعنی اصل اهداف و راهها بتواند اهداف مشترک فرهنگی جامعه و راههای وصول به آنها را مشخص نماید تا جامعه در حالتی متعادل و منسجم حفظ شود و تداوم یابد.

بر اساس مدل ویر، می توان ساخت دو سنخ جامعه عقلایی - حقوقی و سنتی را مبتنی بر اصل راهها و اهداف دانست و از هم تفکیک نمود. اختلال و گسستگی که در راهها و اهداف در دو سنخ ارزشی و عاطفی وجود دارد بیانگر آن است که هیچگونه سنخ ایده آلی از یک جامعه سالم را نمی سازند. بر پایه این دیدگاه، هر گاه راهها و اهداف در یک گروه اجتماعی و یا به طور کلی تر در ساختار جامعه هماهنگ باشند مثلاً هر دو کنش راهها و اهداف سنتی را دنبال نمایند؛ یا هر دو عقلایی - حقوقی باشند آن جامعه دچار مشکل نخواهد بود ولی چنانچه اهدافی ارزشی یا عاطفی باشند ولی راههای وصول به آنها عقلایی باشد دیگر با یک جامعه متعادل و هماهنگ روبه رو نخواهیم بود.

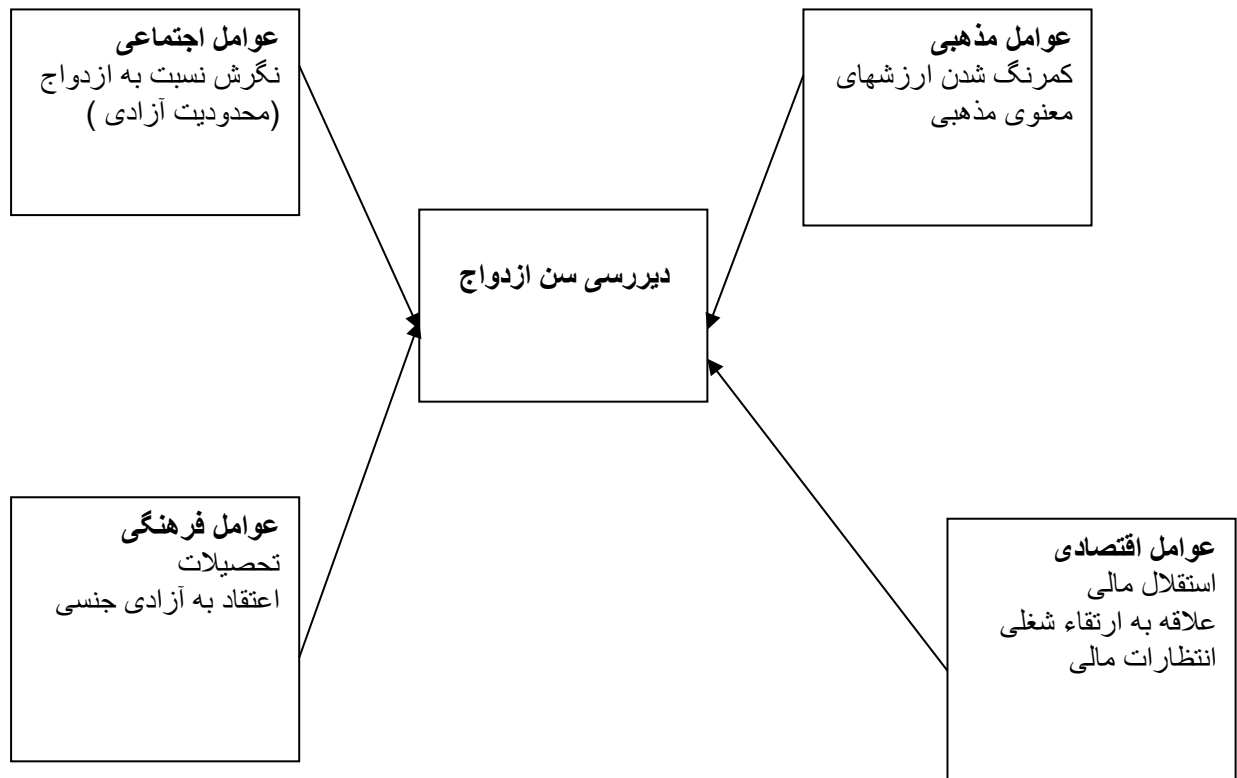
جامعه شناس برجسته مکتب ساخت گرا کارکردگرایی انسجامی آمریکای، رابرت کی مرتن، نیز معتقد است که بی سامان و ناهنجاری در ساخت اجتماعی زمانی رخ می دهد که هماهنگی میان راهها و اهداف از بین برود و چنانچه این هماهنگی حاصل نشود جامعه ناسالم خواهد بود. وی بر این اساس تحلیلی عرضه می کند مبنی بر این نکته که پیدایش و استمرار هر ساخت اجتماعی، اعم از همنوا و یا کجرو منوط به چگونگی عملکرد روابط و هماهنگی میان راهها و اهداف است. چنین گسستگی میان اهداف و راههای جامعه، طبق نظریه مرتن، جامعه را دچار بی سامانی می کند که حاصل آن؛ به وجود آمدن افراد کجرو در چهار گروه مختلف است (تنهایی، 1382: 71).

فرضیات تحقیق

- 1- به نظر می رسد بین انتظارات مالی و دیررسی سن ازدواج و امنیت اجتماعی دختران شاغل رابطه معناداری وجود دارد.
- 2- به نظر می رسد بین میزان تحصیلات و دیررسی سن ازدواج و امنیت اجتماعی دختران شاغل رابطه معناداری وجود دارد.
- 3- به نظر می رسد بین استقلال مالی و دیررسی سن ازدواج و امنیت اجتماعی دختران شاغل رابطه معناداری وجود دارد.
- 4- به نظر می رسد بین علاقه به ارتقاء شغلی و دیررسی سن ازدواج و امنیت اجتماعی دختران شاغل رابطه معناداری وجود دارد.

- 5- به نظر می رسد بین کمرنگ شدن ارزشهای معنوی و مذهبی و دیررسی سن ازدواج و امنیت اجتماعی دختران شاغل رابطه معناداری وجود دارد.
- 6- به نظر می رسد بین اعتقاد به آزادی جنسی و دیررسی سن ازدواج و امنیت اجتماعی دختران شاغل رابطه معناداری وجود دارد.
- 7- به نظر می رسد بین نگرش نسبت به ازدواج (محدودیت آزادی) و دیررسی سن ازدواج و امنیت اجتماعی دختران شاغل رابطه معناداری وجود دارد.

مدل نظري تحقيق



روش شناسی تحقیق

ورود به مرحله تجربی پژوهش، به امکانات، ابزارها و روش‌هایی نیاز دارد که باید پیش از آغاز بررسی تجربی، اندیشیده شود. بدیهی است که عواملی چون موضوع، امکانات و اهداف تحقیق در گزینش ابزارهای اندازه‌گیری، شیوه‌های گردآوری اطلاعات و به طور خلاصه روش تحقیق، سهم عمده‌ای دارند و در هر پژوهش به ناچار باید شیوه‌های خاصی برای بررسی تجربی واقعیت برگزیده و از ابزارهای اندازه‌گیری معینی مدد گرفته و آزمون‌های خاصی به کار گرفته شود. تناسب روش و اجزای آن با موضوع و هدف پژوهش، اصلی است که رعایت آن به محقق کمک می‌کند تا شناختی را که در برخورد با واقعیت کسب می‌کند و می‌خواهد آن را معیاری برای تأیید یا اصلاح جنبه‌های نظری پژوهش قرار دهد با درجه بالایی با واقعیت تطبیق کند.

از آنجائیکه موضوعات مربوط به تعیین میزان دیررسی ازدواج به صورت کمی انجام می‌گیرد لذا روش پیمایشی که بیشتر در تحقیقات اثبات‌گرایی مورد استفاده قرار می‌گیرد، روش کارآمدی برای منظور ما خواهد بود. یکی از ویژگی‌های بارز و شاخص این روش این است که اطلاعات را از طریق پرسیدن از خود فرد بدست می‌آوریم. پیمایش شیوه‌ای از بررسی است که گردآوری مجموعه‌ای ساختمان یا منظم از داده‌ها حاصل آن خواهد بود. این روش عمدتاً بر اساس پرسشنامه است. اما از فنون دیگری از قبیل مصاحبه ساختمان، مشاهده، تحلیل محتوا و جز اینها نیز استفاده می‌شود (دواس، 1376 : 130).

پس محقق در این تحقیق برای بررسی عوامل مؤثر بر دیررسی ازدواج از روش پیمایشی یا آنچه میلر مصاحبه شخصی نامیده است، استفاده کرده است. از نظر دواس رایجترین تکنیک مورد استفاده در تحقیق پیمایشی پرسشنامه است (دواس، 1376 : 13). با این حال برخی از صاحب‌نظران در نوشته‌های خود درباره پیمایش، پیوند اساسی میان روش پیمایش و شیوه جمع‌آوری اطلاعات برقرار کرده‌اند. باید توجه داشت این روش فی‌نفسه نه بهترین است و نه بدتر از روش‌های دیگر، همه چیز به هدف‌های تحقیق، مدل تحلیل و خصوصیات میزان تحلیل بستگی دارد. بررسی پرسشنامه‌ای عبارت است از مطرح کردن یک سری پرسش برای مجموعه‌ای از پاسخگویان که غالباً معرف یک جمعیت وسیع‌ترند، درباره وضعیت اجتماعی، شغلی، خانوادگی، درباره عقاید و ایستارها و مسائل انسانی، دنیوی، معنوی و یا هر مسأله یا حادثه دیگر (نیک‌گهر، 1370 : 185). بالاخره اینکه، مطالعه حاضر به لحاظ معیار زمان، مقطعی و به لحاظ معیار ژرفایی، پهنانگر است. برای برآورد حجم نمونه ابتدا یک پیش‌آزمون انجام گردید تا واریانس صفت مورد مطالعه مشخص گردد و سپس با استفاده از فرمول کوکران به محاسبه حجم نمونه اقدام گردید. حجم نمونه پژوهش حاضر بر اساس فرمول کوکران محاسبه شده است.

از آنجائیکه در این تحقیق به سنجش متغیرهایی که تقریباً بار ارزشی دارد و سوالات پرسشنامه می‌توانست باعث حساسیت پاسخگویان و مقاومت آنها شود، لذا محقق از روش اتفاقی در تعیین نمونه استفاده کرده است. در این پژوهش نیز جهت گردآوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه پس از احراز اعتبار و پایایی آن در مراحل مقدماتی تحقیق، برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز در مرحله نهایی مورد استفاده قرار گرفت. پرسشنامه‌ها به گونه‌ای تدوین شده بود که توسط پاسخگو تکمیل شود ولی از آنجائیکه ممکن بود برخی از پاسخگویان حساس باشند و یا سؤالی در مورد پرسشنامه داشته باشند و از طرفی پرسشنامه تا حدی حساسیت‌برانگیز بود از کسانی که سابقه پرسشگری داشتند و در رشته‌های مربوطه تحصیل کرده بودند استفاده شد تا مشکلی در این زمینه وجود نداشته باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار کامپیوتری SPSS استفاده شده است. در سطح توصیفی از جداول یک بعدی، فراوانی، درصدستونی، انحراف معیار و ترسیم نمودار و در سطح استنباطی نیز از

آزمون t، ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تحلیل واریانس، ضریب تعیین، رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده شده است. در تحقیق حاضر، با استفاده از داده‌های آزمون مقدماتی (پیش آزمون) و به کمک کامپیوتر و نرم افزار SPSS، میزان آلفای کرونباخ برای متغیر میزان دیررسی ازدواج محاسبه شد که میزان آن 0/7512 شده است که چون از 0/7 بیشتر شده، نشانگر این است که همبستگی درونی گویه‌ها در حد مطلوبی است. اما به دلیل حجیم بودن مطالب توصیفی از آوردن این مطالب خودداری شد (آبراکرامبی، 1367: 286).

یافته های توصیفی تحقیق

در این تحقیق جامعه آماری شامل همه پرسنل دختر 29-39 ساله شاغل در بوشهر در سال 1392 می باشد. در این تحقیق حجم نمونه 100 نفر از دختران شاغل 29-39 ساله شاغل می باشند که از طریق روش نمونه گیری تصادفی ساده بوده است. از تعداد 100 نفر پاسخگو، 62 نفر 29-32 ساله، 26 نفر 33-36 ساله، 12 نفر 37-40 ساله هستند. از تعداد 100 نفر پاسخگو، 35 نفر دیپلم، 15 نفر فوق دیپلم، 40 نفر لیسانس، 9 نفر فوق لیسانس به بالا هستند و 1 نفر پاسخی به این سؤال ندادند از تعداد 100 نفر پاسخگو، 19 نفر فارس، 13 نفر ترک، 1 نفر لر، 1 نفر کرد هستند و 1 نفر سایر را انتخاب نمودند و 5 نفر پاسخی به این سؤال ندادند

آزمون فرضیات

فرضیه شماره 1: بین انتظارات مالی و دیررسی سن ازدواج و امنیت اجتماعی دختران شاغل رابطه معناداری وجود دارد. برای تجزیه و تحلیل این فرضیه از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است.

جدول شماره 1: بررسی ارتباط بین انتظارات مالی و دیررسی سن ازدواج و امنیت اجتماعی دختران شاغل

	مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذور	f	p
بین گروهها	12/912	11	1/179	2/88	0/003
درون گروهها	36/028	88	0/409		
جمع	49	99			

با توجه به جدول فوق که تحلیل تک متغیره را نشان می دهد و میزان p که برابر با 0/003 می باشد فرضیه فوق مورد تأیید می باشد و ارتباط معناداری بین انتظارات مالی و دیررسی سن ازدواج دختران شاغل وجود دارد.

فرضیه شماره 2: بین میزان تحصیلات و دیررسی سن ازدواج و امنیت اجتماعی دختران شاغل رابطه معناداری وجود دارد. برای تجزیه و تحلیل این فرضیه از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است.

جدول شماره 2: بررسی ارتباط بین میزان تحصیلات و دیررسی سن ازدواج و امنیت اجتماعی دختران شاغل

	مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذور	f	p
بین گروهها	8/64	8	1/080	2/435	0/02
درون گروهها	40/36	91	0/444		

			99	49	جمع
--	--	--	----	----	-----

با توجه به جدول فوق که تحلیل تک متغیره را نشان می دهد و میزان p که برابر با 0/02 می باشد فرضیه فوق مورد تأیید می باشد و ارتباط معناداری بین میزان تحصیلات و دیررسی سن ازدواج دختران شاغل وجود دارد.

فرضیه شماره 3: بین استقلال مالی و دیررسی سن ازدواج و امنیت اجتماعی دختران شاغل رابطه معناداری وجود دارد. برای تجزیه و تحلیل این فرضیه از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است.

جدول شماره 3: بررسی ارتباط بین استقلال مالی و دیررسی سن ازدواج و امنیت اجتماعی دختران شاغل

	مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذور	f	p
بین گروهها	11/819	12	0/985	2/305	0/01
درون گروهها	37/181	87	0/427		
جمع	49	99			

با توجه به جدول فوق که تحلیل تک متغیره را نشان می دهد و میزان p که برابر با 0/01 می باشد فرضیه فوق مورد تأیید می باشد و ارتباط معناداری بین استقلال مالی و دیررسی سن ازدواج دختران شاغل وجود دارد.

فرضیه شماره 4: بین علاقه به ارتقاء شغلی و دیررسی سن ازدواج و امنیت اجتماعی دختران شاغل رابطه معناداری وجود دارد. برای تجزیه و تحلیل این فرضیه از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است.

جدول شماره 4: بررسی ارتباط بین علاقه به ارتقاء شغلی و دیررسی سن ازدواج و امنیت اجتماعی دختران شاغل

	مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذور	f	p
بین گروهها	14/151	19	0/745	1/710	0/05
درون گروهها	34/849	80	0/436		
جمع	49	99			

با توجه به جدول فوق که تحلیل تک متغیره را نشان می دهد و میزان p که برابر با 0/05 می باشد فرضیه فوق مورد تأیید می باشد و ارتباط معناداری بین علاقه به ارتقاء شغلی و دیررسی سن ازدواج دختران شاغل وجود دارد.

فرضیه شماره 5: بین کمرنگ شدن ارزشهای معنوی و مذهبی و دیررسی سن ازدواج و امنیت اجتماعی دختران شاغل رابطه معناداری وجود دارد. برای تجزیه و تحلیل این فرضیه از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است.

جدول شماره 5: بررسی ارتباط بین کمرنگ شدن ارزشهای معنوی و مذهبی و دیررسی سن ازدواج و امنیت اجتماعی دختران شاغل

	مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذور	f	p
--	---------	------------	---------------	---	---

0/8	0/693	0/362	17	6/157	بین گروهها
		0/522	82	42/843	درون گروهها
			99	49	جمع

با توجه به جدول فوق که تحلیل تک متغیره را نشان می دهد و میزان p که برابر با 0/8 می باشد فرضیه فوق مورد تأیید نمی باشد و ارتباط معناداری بین کمرنگ شدن ارزشهای معنوی و مذهبی و دیررسی سن ازدواج دختران شاغل وجود ندارد.

فرضیه شماره 6: بین اعتقاد به آزادی جنسی و دیررسی سن ازدواج و امنیت اجتماعی دختران شاغل رابطه معناداری وجود دارد. برای تجزیه و تحلیل این فرضیه از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است.

جدول شماره 6: بررسی ارتباط بین اعتقاد به آزادی جنسی و دیررسی سن ازدواج و امنیت اجتماعی دختران شاغل

p	f	میانگین مجذور	درجه آزادی	مجذورات	
0/24	1/321	0/637	8	5/097	بین گروهها
		0/482	91	49/903	درون گروهها
			99	49	جمع

با توجه به جدول فوق که تحلیل تک متغیره را نشان می دهد و میزان p که برابر با 0/24 می باشد فرضیه فوق مورد تأیید نمی باشد و ارتباط معناداری بین اعتقاد به آزادی جنسی و دیررسی سن ازدواج دختران شاغل وجود ندارد.

فرضیه شماره 7: بین نگرش نسبت به ازدواج (محدودیت آزادی) و دیررسی سن ازدواج و امنیت اجتماعی دختران شاغل رابطه معناداری وجود دارد. برای تجزیه و تحلیل این فرضیه از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است.

جدول شماره 7: بررسی ارتباط بین نگرش نسبت به ازدواج (محدودیت آزادی) و دیررسی سن ازدواج و امنیت اجتماعی دختران شاغل

p	f	میانگین مجذور	درجه آزادی	مجذورات	
0/29	1/206	0/582	12	6/989	بین گروهها
		0/483	87	42/011	درون گروهها
			99	49	جمع

با توجه به جدول فوق که تحلیل تک متغیره را نشان می دهد و میزان p که برابر با 0/29 می باشد فرضیه فوق مورد تأیید نمی باشد و ارتباط معناداری بین نگرش نسبت به ازدواج (محدودیت آزادی) و دیررسی سن ازدواج دختران شاغل وجود ندارد.

نتیجه گیری

از آنجا که ازدواج یکی از مسائل مهم زندگی یک فرد است و حساسیت زیادی دارد در این تحقیق به بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران شاغل پرداختیم که برای بررسی این موضوع 7 فرضیه ارائه گردید که در این جا به بررسی و تجزیه و تحلیل آنها می پردازیم. در فرضیه شماره 1 که به بررسی ارتباط بین انتظارات مالی و دیررسی سن ازدواج می پردازد مورد تأیید قرار گرفته است. یکی از عواملی که باعث شده است که در سن ازدواج دختران تأخیر ایجاد شود انتظارات مالی است که آنها دارند. اکثر آنها انتظار دارند که فردی که به خواستگاری آنها می آید دارای توان مالی بالایی باشد و انتظارات مالی آنها را برآورده سازد. در فرضیه شماره 2 که به بررسی ارتباط بین میزان تحصیلات و دیررسی سن ازدواج دختران شاغل می پردازد نیز به این موضوع اشاره دارد که هر چه یک فرد دارای تحصیلات بالاتری باشد توقع او بالاتر می رود و انتظار دارد که یک فرد در رده تحصیلی وی به خواستگاری بیاورد و این موضوع باعث می گردد که در سن ازدواج یک دختر تأخیر ایجاد شود. پس این فرضیه نیز مورد تأیید می باشد.

در فرضیه شماره 3 که به ارتباط بین استقلال مالی و دیررسی سن ازدواج دختران شاغل می پردازد به این موضوع اشاره دارد که زمانی که دختران شغل می یابند و استقلال مالی دارند کمتر به ازدواج فکر می کنند زیرا اکثر آنها فکر می کنند که ازدواج تنها به منظور تأمین مالی است و استقلال مالی باعث می شود که آنها خود را بی نیاز به ازدواج بدانند. پس این فرضیه مورد تأیید می باشد.

در فرضیه شماره 4 که به بررسی ارتباط بین علاقه به ارتقاء شغلی و دیررسی سن ازدواج دختران می پردازد نیز به این موضوع اشاره دارد که اکثر دختران فکر می کنند که اگر ازدواج کنند دیگر نمی توانند در شغل خود پیشرفت نمایند و پیشرفت شغلی را یکی از اصلی ترین اهداف زندگی خود می دانند پس این فرضیه نیز مورد تأیید می باشد.

در فرضیه شماره 5 که به بررسی ارتباط بین کمرنگ شدن ارزشهای معنوی و مذهبی و دیررسی سن ازدواج می پردازد مورد تأیید قرار نگرفته است و به این موضوع اشاره دارد که تأخیر سن ازدواج بر اثر کمرنگ شدن ارزشهای دینی و مذهبی نیست بلکه عوامل مؤثر دیگری بر آن تأثیر دارد.

در فرضیه شماره 6 که به بررسی ارتباط بین اعتقاد به آزادی جنسی و دیررسی سن ازدواج می پردازد نیز به این موضوع اشاره دارد که افرادی که ازدواج نکرده اند اعتقادی به آزادی جنسی نیز ندارند. بلکه دلایل دیگری دارند که به آزادی جنسی ارتباط ندارد.

در فرضیه شماره 7 که به بررسی ارتباط بین نگرش نسبت به ازدواج و دیررسی سن ازدواج می پردازد مورد تأیید قرار نگرفته است محدودیت آزادی در این فرضیه مورد سنجش قرار گرفته است که این موضوع بر تأخیر سن ازدواج دختران تأثیری ندارد.

پیشنهادهای تحقیق

پیشنهاد می شود با توجه به محدود بودن دامنه تحقیقات در این زمینه و عدم به کارگیری نتایج حاصله از تحقیقاتی که به صورت کامل و جامع انجام شده مراجع زیربسط از این تحقیقات در جهت یافتن دلایل افزایش سن ازدواج استفاده نمایند. همچنین پیشنهاد می شود تحقیقات گسترده تری با کمکهای مالی و علمی به محققانی که می خواهند در این زمینه فعالیت داشته باشند ارائه گردد تا نتایج حاصله قابل استفاده در جامعه باشد و همچنین پیشنهاد می شود که تحقیقات مقایسه ای در زمینه علل دیررسی سن ازدواج در بین دختران مجرد شاغل در ارگانهای مختلف انجام گردد.

منابع

- آبراکرامبی، نیکلاس و دیگران. (1367). **فرهنگ جامعه‌شناسی** (ترجمه حسن پویان). تهران: چاپخش.
- ایمانی، محسن، (1379)، «ازدواج در سنین بالا». مجله اصلاح و تربیت، شماره 63. بودن، ریمون، (1373). **جامعه‌پژوهشی**، ترجمه کاشی، مؤمن، گناباد: نشر مرنديز.
- جمشید، بهنام، (1348). **جمعیت‌شناسی عمومی**، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه. دواس، دي، اي. (1376). **پیمایش در تحقیقات اجتماعی** (ترجمه هوشنگ نایبی). تهران: ني.
- صديق اورعی، غلامرضا، (1378). **مسائل اجتماعی جوانان**، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- گیدنز، آنتونی، (1373). **جامعه‌شناسی**، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- میشل، آندره، (1354). **جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج**، ترجمه اردلان، فرنگیس، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- هلاکویی، فرهنگ، (1365). **جامعه‌شناسی امروز**، تهران: انتشارات جلالی.